

## انجمن مطالعات جوامع فارسی زبان

### نشریه پژوهش‌های پارسی

7/5/11

کامبیز باسطوت

جلد سوم نشریه پژوهش‌های پارسی زبانان با نزدیک به 150 صفحه با مقاله‌های پژوهشی دانشورزانه دانشورزان (اسکالر) دانشگاه‌های آمریکا و کشورهایی که فرهنگ پارسی در آنها گسترش داشته و دارد در اوایل 2010 به زبان انگلیسی منتشر شد. در این شماره نشریه هفت مقاله پژوهشی منتشر شده است. هدف و گسترده نشریه اینگونه بیان شده است:

انتشار مطالعات انجمن جوامع پارسی. نشریه مقاله‌های فرهنگی مکان‌های جغرافیایی را که از جهت تاریخی زبان پارسی متداول و یا فرهنگ غالب بوده است را منتشر مینماید که ایران، افغانستان، و تاجیکستان را فرامیگیرد، و همچنین قفقاز، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، و بخش‌هایی از امپراتوری پیشین ترکیه را در بر میگیرد. کانون تمرکز آن زبان، فرهنگ و نقش تاریخی و نفوذ فرهنگ پارسی و تمدن ایرانی است که در این میدان بنا شده است، با شناخت اینکه دانش از واقعیت‌ها از پیش وجود داشته روان میشود لیکن همچنین میسازد و سپس کمک مینماید تا واقعیت حاضر دنیای پارسی را بسازد. چنین دانشی میتواند توازن تأثیرهای جهانی شدن را معتدل نماید و همینطور واکنش نشان دهد به وانمود کردن کجواره حافظه تاریخی و تمدن مشترک بوسیله نیروهای شگاف دهنده ملی گرایانه و امپراتوری گرا.

ویراستار اجرائی، دکتر امیر ارجمند از دانشگاه ایالتی نیویورک. همکار ویراستار حبیب برجیان. مدیر ویراستار کترین ارجمند در نیویورک. و همچنین گروه ویراستاران که شامل بیست تن از استادان تاریخ و علوم انسانی میشود.

جاسلین شارلت از دانشگاه کالیفرنیا در شهر دیویس مقاله‌ای پژوهشی نوشته است زیر عنوان *گلستان امکانات در مدیحه سرانی بهاری منوچهری*. شاعر پارسی دربار غزنویان در قرن یازدهم. در خلاصه مقدمه نوشتار دکتر جاسلین شارلت شعرهای منوچهری را بدو قسمت تقسیم مینماید بخش اول که در ستایش زیبایی‌های طبیعت است و بخش دوم که در ستایش و مدیحه‌گویی از پشتیبانان و یا جورمندان شاعر در دربار است. او این سبک شاعری را برای نقد هنجار اجتماعی در برابر و مقایسه با ادبیات پارسی شعر گونه حماسی و آینه اشraf میگذارد. در ادامه نویسنده دیدگاه جناب سیروس شمس را یادآوری میکند که میگوید مدیحه سرانی را "حماسه نادرست" مینامد. در اینگونه شعر شنونده میتواند اقدام به مقایسه مثبت و منفی از جورمند توانورز معینی بنماید. در این نوشتار روابط شاعر و جورمند ثروتمند و توانورز از جنبه‌های متفاوت اجتماعی و صنفی بررسی میشود. دکتر جاسلین این بررسی را در نهایت با تفصیر شعرهای منوچهری ادامه میدهد. ما در این نوشتار مشاهده مینمائیم نوع شعر مدیحه سرانی تنها برای ستایش از توانورز جورمند معینی برای گذران مالی شاعر نیست بلکه شاعر در آن با ترکیب بیان دلانگیز زیبایی شناسایی طبیعی و مدیحه سعی میکند فضیلت و کردار انسانی را به جورمند توانورز خود توصیه نماید و اندرز اجتماعی به او بدهد.

بخش عمده این شماره زیر عنوان بیان انگاره‌های متفاوت درباره تجدد و نوسازی فرهنگی در ایران است. ویراستار نشریه دکتر ارجمند در پیش گفتار خود بر چهار نوشتار در باره سیر تجدد در ایران اینگونه نظریه خود را میدهند، که در حالیکه پژوهش تاریخ تجدد در نیمه دوم قرن نوزدهم تحت شعاع و تأثیر کوبش غرب و تعقل آن آسیب دیده است؛ در نیمه اول قرن بیستم خرد همگانی برای پیشروی تجدد در ایران از دو کوتاهی یکی جدائی دوران انقلاب مشروطیت (21-1906) از دوران حکومت رضا شاه (41-1941) و دیگری توجه بی اندازه سیاسی به نوسازی حکومت رضا شاه و بی اعتنائی به نوسازی فرهنگی رنجبرده است. ترکیب این دو بینش

بزرگ کردن نقش رضاشاه و ناپدید کردن نقش برگزیدگان اصلاح طلب سیاسی اواخر دوران قاجار و اوایل دوران پهلوی است. ویراستار در ادامه این دیدگاه را بیشتر میشکافد.

جناب منوچهر کاشف زیر عنوان "تاریخ داگستری متجدد" در ایران سخنرانی محمد علی فروغی یکی از شخصیت های درخشان فرهنگی و سیاسی دوران پیش و پس از انقلاب مشروطیت را به انگلیسی ترجمه کرده اند. محمد علی فروغی در این سخنرانی که موضوع آن شکل گرفتن این دانشکده است در ابتدا برای اینکه نشان دهد تشکیل "مدرسه علوم سیاسی" که در نهایت دانشکده حقوق میشود با چه مشکلاتی روبرو بوده است فضای اجتماعی آن سالها را که شامل لباس مرسوم عبا و عمامه، بد بودن کوتاه کردن موی سر، زدن عینک و گذاشتن کلاه و غیره بوده است را یاد آوری مینماید. او اشاره مینماید که بکار بردن کلمه حق میتوانست برای یک شخص گرفتاری بزرگی تولید کند. بگفته او پادشاهی مظفردالدین شاه فضای سیاسی را در کشور باز کرد و مدرسه علوم سیاسی در سوّمین سال پادشاهی مظفردالدین شاه در 1899 با هدف آموزش دادن کارکنان وزارت امور خارجه تأسیس شد اما این مردم بودند که اینکار را انجام دادند نه دولت. بعد از انقلاب مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی که بخشی از حقوق مدنی مردم را مدون کرد وزارت دادگستری تشکیل شد و نام مدرسه علوم سیاسی به مدرسه قانون یا حقوق تغییر کرد. لیکن تا روی کار آمدن رضاشاه منابع مالی و انسانی باندازه ضروری فراهم نمیشد. نبودن قوانین مدنی مدون قضائی مشکل دیگری بود که استاد فروغی با جزئیات تصویب آنرا در مجلس شرح میدهد. به گفته استاد فروغی دو گروه با داشتن قوانین مدنی مدون که تمام مردم در برابر آن یکسان میشدند مخالف بودند یکی ارباب های فئودال و منتفدین ثروتمند و دیگری نهاد شیعه بود. نهاد شیعه قوه قانون گذاری برای قضاوت را حوزه نفوذ خود میدانست و برای آن قابل قبول نبود که افرادی بدون آموزش فقه شیعه در مقام قضاوت قرار بگیرند. استاد معتقد است تاریخ قانون و دادگستری نیاز به پژوهش تاریخ و رزانه گسترده ای دارد. سخنرانی استاد فروغی تصویر روشنی میدهد از راه درازی که ایران به کمک شخصیت های درخشان برای رسیدن به دادگستری مدنی آمده بود که تا انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد.

پرفسور افشین مرعشی از دانشگاه کانزاس در نوشتاری زیر عنوان "تصور کردن حافظ: رابیندرانات تاگور در ایران در 1932" دیدار رسمی او از ایران به دعوت رضا شاه پهلوی را بررسی مینماید. در خلاصه نوشتار پرفسور مرعشی اینگونه سفر تاگور به ایران را تجزیه تحلیل مینماید. با بکار گرفتن گواهی های درجه یک نوشتاری او جنبه های فرهنگی، سیاسی و استنباط ایدیولوژیک این سفر را بررسی مینماید برای نمایان کردن جایگزینی ملیگرایی در بین دو جنگ جهانی. ایشان هدف این نوشتار را نشان دادن نقشی میداند که سفر تاگور برای ملیگرایی رضاشاه پهلوی و برای جدا کرد تمدن "ایرانی باستانی ناب" از تمدن "عربی اسلامی" بازی کرده است. این ملی گرایی که ریشه خود را در تمدن "ایرانی هندی" آریایی و زرتشتی پیش از اسلام میدید با سفر تاگور به ایران هستی روشنتری میگرفت که در ارتباط با سیاست فرهنگی ملی رضا شاه بود. در این نوشتار رابیندرانات تاگور (1941-1861) اینطور معرفی میشود، او بعنوان کوشنده شکبیا برای استقلال هندوستان شهرت جهانی داشت لیکن همچنین بنام یک شاعر، نمایشنامه و داستان نویس مشهور بود و همچنین او برنده جایزه صلح نوبل در 1913 بود. گشتواری تاگور هفتاد ساله با هوایما از کلکته به بوشهر و دیدن گسترده سرزمین های هندوستان و ایران در زمان پرواز پیوستگی فرهنگی ایرانی هندی را بیشتر برای او روشن کرد. در تمام مسیر بوشهر به تهران تاگور همواره با استقبال رسمی مقامات دولتی روبرو شد. به نظر پرفسور مرعشی از دیدگاه رژیم پهلوی گشتواری تاگور در ایران فرصت درخشانی فراهم کرد تا ملی گرایی ایرانی در یک طرح بزرگتر پیشبردن فرهنگ ایرانی پیش از اسلام بعنوان همراه پایه ای تجدد در ایران مطرح شود. علاقه تاگور به محتوای تمدن ایرانی هندی در کنار یک پارچگی تمدن آسیایی شکل گرفت.

گزارش گشتواری تاگور در ایران در نوشتار پژوهشی تاریخی پرفسور مرعشی شامل بخش های: گشتواری های تاگور، تصور تمدن ایرانی هندی، شناساندن تاگور در ایران، گفتگو با علی دشتی، تاگور در شیراز، از شیراز به تهران، و نتیجه میشود. در این نوشتار تجزیه تحلیل تاریخی خواننده به روشنی با شوق ملی گرایی ایرانی در دوران رژیم پهلوی بین دو جنگ جهانی آشنا میشود. اندیشه این جنبش ملی گرایی به دوران پیش از اسلام در آن سال ها روان برگزیدگان و روشنفکران ایران را ربوده بود. این اندیشه غالب ملی در دهه های بعد جای خود را در میان بخشی از تحصیل کرده ها به چپ، اسلام سیاسی، و دشمنی به غرب داد. پرفسور مرعشی در این نوشتار بخوبی این اندیشه فراگیر ملی گرایی را در گزارش گشتواری تاگور نشان میدهد.

عنوان نوشتار پرفسور لودویک پال از دانشگاه هامبورگ از این قرار است "اصلاح زبان ایرانی در قرن بیستم: آیا اولین فرهنگستان (40-1936) موفق شد؟ پرفسور پال در خلاصه نوشتار میگوید اولین فرهنگستان در دوران سال های 40-1936، 1600 کلمه پارسی بجای کلمه های عربی و اروپائی پیشنهاد کرد. ایشان بعد از توضیح شرایط لازم برای تعیین موفقیت یک کلمه در زبان شصت کلمه را برای بررسی موفقیت آنها انتخاب مینمایند و اظهار میدارد که این کلمه های پیشنهادی بطور قابل ملاحظه ای موفق

بوده اند. بنابر گفته پرفسور پال تمام زبانها معمولاً ناآگاهانه تغییر مینمایند. تغییر آگاهانه زبان یک پدیده نوگرایی عصر جدید زیر نام های سیاست برای زبان، برنامه ریزی برای زبان، و یا اصلاحات در زبان است. تغییر آگاهانه و هدفمند کلمه ها یک پدیده عصر مدرن ناشی از ملی گرایی است. و یافتن کلمه های پارسی برای کلمه های عربی و اروپایی در زبان پارسی در ایران از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد اما سازمان یافته نبود تا برآمدن رضاشاه و تشکیل اولین فرهنگستان به ریاست استاد محمد علی فروغی. پرفسور پال یک پیشواره تاریخی از ناپدید شده زبان پارسی برای تقریباً دو قرن بعد از تسخیر ایران توسط نیروی نظامی عرب و مسلمان در قرن هفتم و رستاخیز زبان پارسی در خراسان بزرگ در دربار سامانیان و تسلط دوباره آن بر ایران در شعر و ادبیات و زبان رسمی دولت میدهد. او میگوید رضاشاه بعد از نخست وزیر شدن در 1923 دستور میدهد که صد کلمه که بیشتر کار برد نظامی داشت در برابر کلمه های اروپایی و عربی ساخته شود مانند: مانند هواپیما بجای طیاره، ارتش- قشون، کشور- مملکت. پرفسور پال از تعداد زیادی از دانشوران ایرانی که برای نوشتن این نوشتار به او کمک کرده بوده اند نام میبرد. در ادامه او موفقیت و کار برد شصت کلمه جایگزین شده از فرهنگستان اول را بررسی مینماید. تناقض آشکاری در سی دو سال حکومت اسلامی با سیاست فرهنگستان اول و متداول شدن کلمه های عربی بجای پارسی مانند اجما بجای توافق، معاند بجای مخالف، حصر- بازداشت و غیره حتی در میان مخالفان حکومت اسلامی قابل توجه است.

پرفسور مریم راتنر در نوشتار "بررسی انطباق علوم سیاسی در ایران" خلاصه آنرا اینطور بیان نموده اند. این وانگاری (سواری) محتوا و هدف انطباق رشته علوم سیاسی در ارتباط با هفت دانشگاهی که در سطح لیسانس و فوق لیسانس تدریس میکنند را بررسی مینماید. ایشان در میان محدودیت ها این تحقیق و تحلیل اظهار میدارند که بررسی او بیشتر عددی است تا کیفیتی برای نبودن امکانات لازم برای بررسی کیفی این رشته. پرفسور راتنر تاریخ تدریس علوم سیاسی را که از زمان تأسیس دارالفنون بوده است تا بحال را ذکر مینماید. ایشان اشاره مینماید که هدف از تشکیل دارالفنون آموزش کارکنان دولت برای امور سیاسی و مدیریت در دولت بود. و این برای اولین بار بود که سپهر آموزش از اختیار نهاد شیعه خارج میشد و در اختیار دولت قرار میگرفت. همینطور به این اشاره میشود که حتی بعد از تأسیس دانشگاه تهران کم بود کتاب و استاد برای علوم سیاسی و انسانی مشکل بزرگی بود. پرفسور میگوید که علوم سیاسی بیشتر به تئوری فیلسوفانی مانند روسو، جان لاک و تاماس هابز در باره آزادی و برابری میپرداخت اما از پیاده کردن این نظریات در سپهر سیاسی و دگرگونی ها ایران و تولید ادبیات آن اثری نبود. علوم سیاسی پیش و بعد از انقلاب اسلامی بررسی میشود و به این نکته اشاره میشود که با اینکه بعد از انقلاب فرهنگی اسلامی تأکید زیادی بروی ایرانی و اسلامی کردن علوم سیاسی شده بود در واقع علوم سیاسی تداوم خود را با پیش از انقلاب نگهداشت و مطالب تدریس شده تغییری نکرد. در ادامه کلاس های تدریس شده در هفت دانشگاه که در رشته علوم سیاسی مدرک میدهند بررسی میشود.

آخرین نوشتار این شماره نقدی است به کتاب مقدمه ای بر تاریخ همگانی ادبیات پارسی. ویراستاری شده توسط ج. ت. پ. بورجین. ویراستار سرپرست احسان یار شاطر. جلد اول "تاریخ ادبیات پارسی" از مایکل کریگ هیلمن از دانشگاه تکزاس در آستین. پرفسور هیلمن آغاز میکند با پیش گفتار پرفسور یار شاطر و نوشتار پایانی دکتر ایرج افشار بر کتاب و اظهار میدارد این آغاز و پایان برای کتاب کافیهست تا آنرا معتبر و خواندنی بنماید. ایشان به کلاس های ادبیات کهن و مدرن زیادی اشاره مینماید که در حال حاضر در دانشگاه تدریس میشوند و همچنین به کتاب هائی که میتوانند در رقابت با این کتاب باشند. ما در این بازبینی مطلع میشویم که تاریخ ادبیات پارسی در هیجده جلد طرح ریزی شده است بعلاوه دو جلد ترجمه ها. بگفته پرفسور یار شاطر این کتاب برای خواننده معمولی و فرهنگستانی ها هر دو تهیه شده است؛ لیکن پرفسور هیلمن با آوردن مثال چنین تاریخ ادبیاتی برای زبان انگلیسی و آمریکا و استقبالی که از آنها شد تردید دارد خواننده معمولی اسقبال چندان از تاریخ ادبیات پارسی بنماید. پرفسور هیلمن در نوشتار نسبتاً طولانی بازبینانه خود به کمبودها و محاسن این کتاب اشاره میکند و در پایان اظهار امیدواری مینماید تا جلد های آخر این مجموعه گسستگی های آن را بهم به پیوندد.

این جلد از نشریه "انجمن مطالعات جوامع فارسی زبان" مانند سایر انتشارات آن پوشیده از آخرین دانشورزی های مربوط به گسترده تاریخ و فرهنگ ایرانی است. از آنجا که این نشریه به زبان انگلیسی است و خواندن آن آسان نیست بلکه حتی مشکل است و با وجود اینکه تاریخ و ادبیات گسترده فرهنگ ایرانی را به انگلیسی زبان ها بشکل گسترده ای منتقل میکند، لیکن پرسش این است چگونه این دانشورزی پر محتوا و وزین میتواند به مردم ایران زیر حکومت جمهوری اسلامی که دشمنی آشکاری با ملیگرایی ایرانی دارد منتقل شود. در حالیکه همایش های انجمن مطالعات تا بحال در دوشنبه، قزلباش و لاهور برگزار شده است سرزمین مادری این فرهنگ از برگزاری همایش آن محروم است. جای شگفتی و تاسف است که ملیگرایی که در دوران پهلوی ها آنچنان به آن تأکید میشد و چندان مورد توجه نخبگان روشنفکر ایران نبود بعد از تشکیل جمهوری اسلامی این چنین پر بار به زبان انگلیسی در خارج از ایران به زندگی خود ادامه میدهد. با عضو شدن در این انجمن به توانائی آن یاری دهید.

